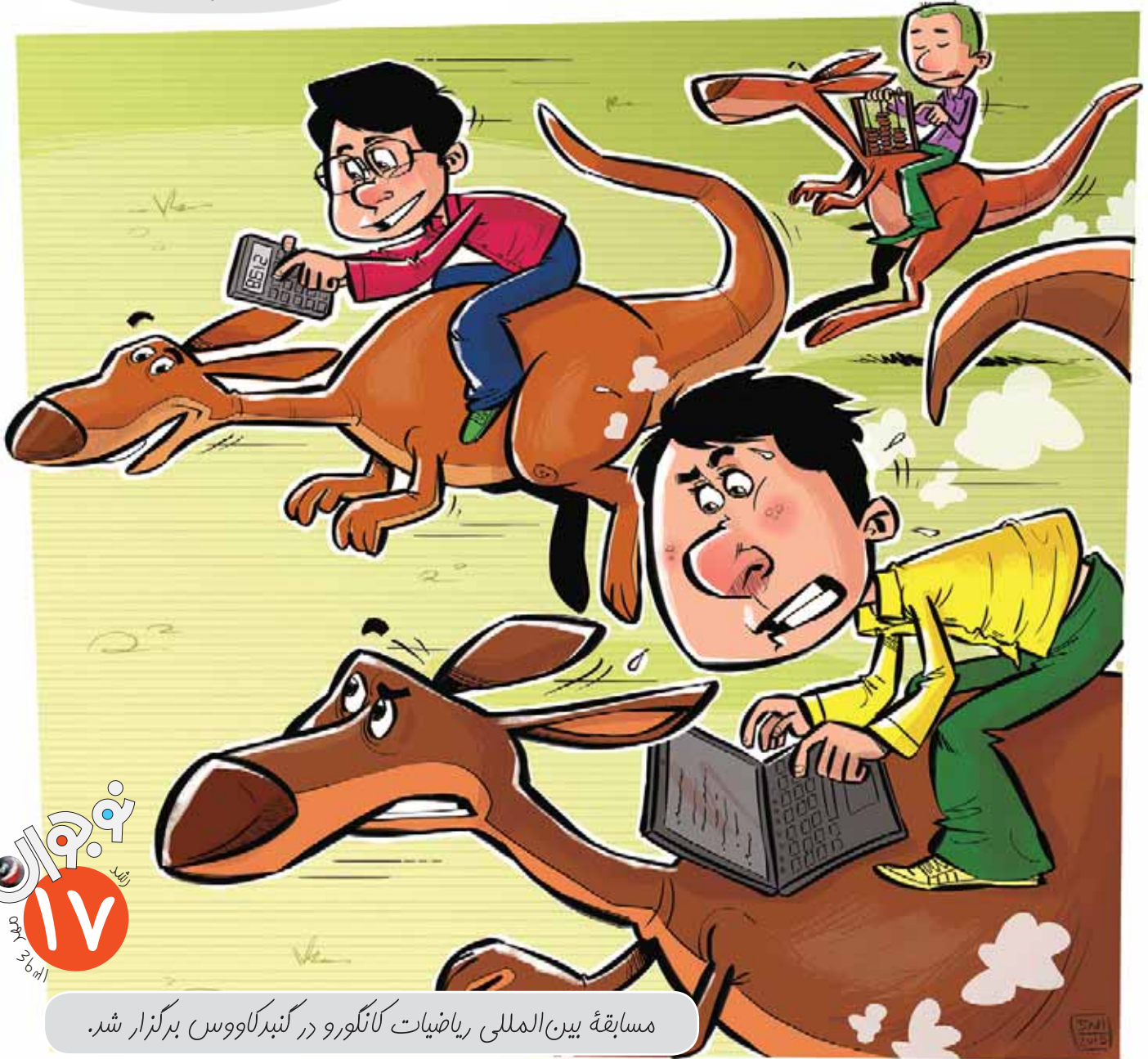


هندزنگ

تصویرگر جلد: محمدرضا اکبری ●●●
تصویرگر صفحات: مهدی صادقی ●●●



مسابقه بین‌المللی ریاضیات کانگورو در گنبد کاووس برگزار شد.



قربانعلی شکارچی

صدای تفنگ قربانعلی که برفاست، عَلو گفت: «اجازه، دوباره شکار زده.»
با آرنیک فشار دارم توی کرده اش، گفتیم: «عَلو از کجا معلوم؟»
بیخ گوشم گفت: «صدای تفنگش سنگین بود.»
معلم گفت: «طبیعت رو داره نابود می‌کنه این قربانعلی!»

چند روز قبل سر زمین ورزش مدرسه عشایری ما، معلم جلوی قربانعلی را که آهویی زخمی را بر دوش گرفته بود و به سمت سیاه چادرش می‌رفت، گرفته بود که: «اینقدر حیوانات زبان بسته را شکار نکن، بر می‌بینی!»

قربانعلی از کوره در رفته بود که: «تو مأمور شکاربانی هستی یا معلم مدرسه عشایری؟ من هیچ وقت اومدم سر کلاس تو! تو تعلیمات اشتماعی تو «خالت کنم، که تو، تو کار شکار من «خالت می‌کنی؟ از این به بعد نفور نفور، هر کسی کار به کار خود.»

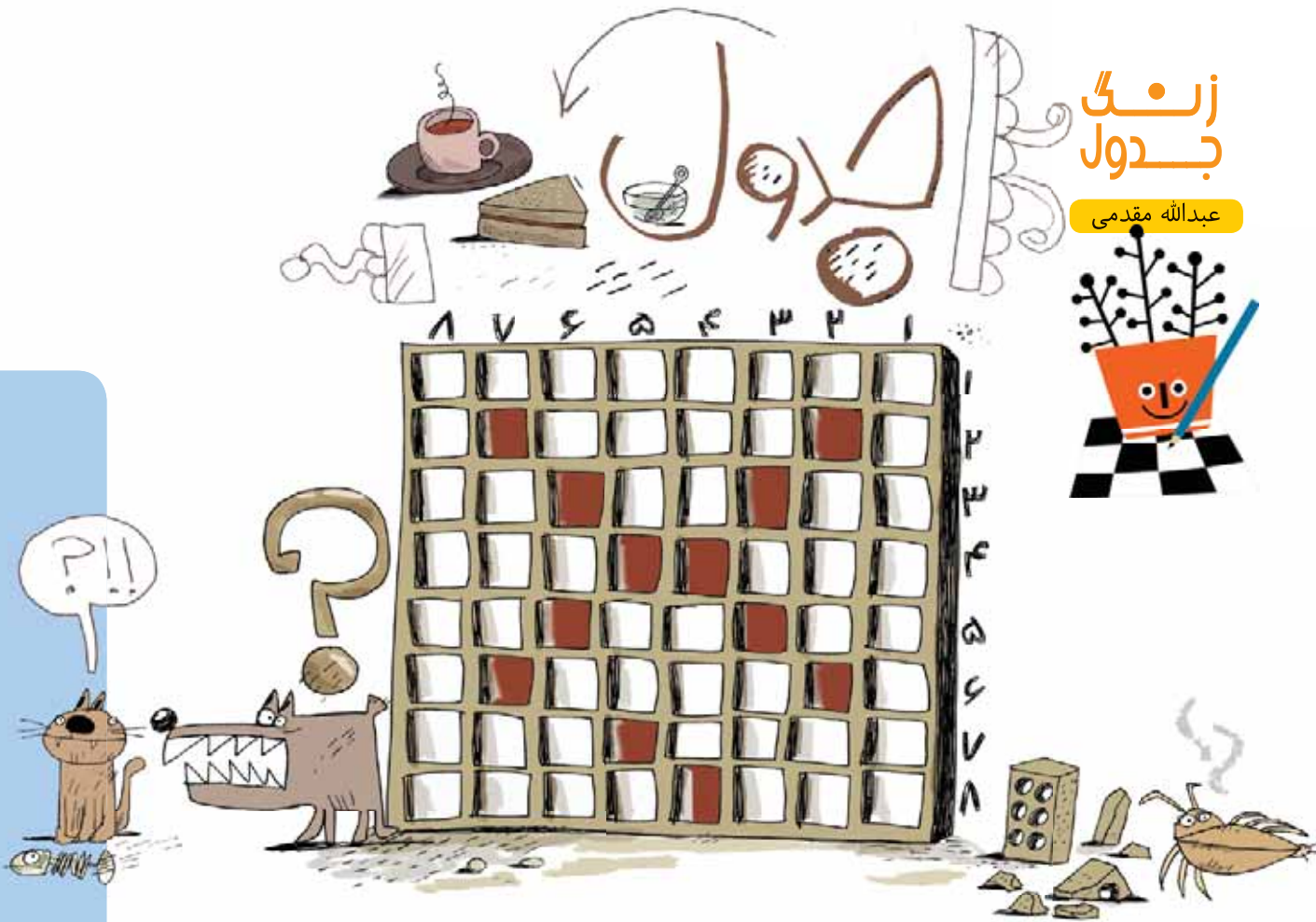
معلم آهوی زخمی را با قیمت گرانی از قربانعلی خرید. قربانعلی همین‌طور که داشت پول‌ها را می‌شمرد، گفت: «باریکلا آق معلم، این شد کار حساب!»

معلم آهو را به چادر خودش برد تا پایش را که تیر خورده بود مراو کند. آن روز صدای تیر دوم که برفاست، معلم عصبانی شد. کچ را گذاشت روی تخته سیاه و از در چادر مدرسه آمد بیرون. ساعتی نگذشت که

قربانعلی شکارچی گفت: «آقا مدیر، لوله تفنگش ترکید، بدنش شده پر از ساقمه. ریش و سییش هم عین کله پاپه سوخته.» قربانعلی بنا کرد به التماس که: «آقا مدیر، دستم به دامن، منو با موتور سیکلت برسون بهرداری، دارم تلف می‌شم.»
معلم گفت: «به یک شرط.»
قربانعلی نالید: «هر چه شما بگین جناب مدیر.»
معلم گفت: «دور شکار را برای همیشه فط بکش.»
قربانعلی سر تأیید تکان داد.

معلم رو کرد به من و عَلو و ممد، مضانی که: «پپه‌ها، عصر آهو را ببرید توی دشت رها کنید، درس و مشق هم یادتون نره.»
قربانعلی مثل یید دم بار می‌لرزید.





افقی

- ۱- مراسم بازگشایی که با کلی فرج همراه است.
- ۲- پولدارترین جای دنیا
- ۳- برن بی سر- نقش این مهر روی کارنامه دانش آموز، یعنی فسته نباشید، سال دیگر در همین کلاس می بینمتان- کله باکلاس
- ۴- سلکی که مرض دارد- درفتی صاف که بیش از پارک و بوستان، در کتاب شعر دیده می شود.
- ۵- سوغاتی سالم که تا هزار کیلومتر دورتر هم می رود و تمام نمی شود. مخالف سر سفت جیز- مهم ترین بخش تنبان!
- ۶- بابای شعر نو که بچه پوش بود.
- ۷- حیوانی که بو می دهد- تنها وقتی که آدم ها مفت و مجانی دانه برای پرندگان می ریزند، وقت پهن کردن آن است.
- ۸- شعر فنده دار، بی ادب- مثل و مانند کتابی

عمودی

- ۱- صیبانه پر قوت و مشتبی قدیمی ها
- ۲- باباهای همه، دنبال یک لقمه آن، از صبح تا شب کار می کنند- برای ترک ها
- ۳- «کم» است و برای فارس ها «زیاده فواهی».
- ۴- آکر بیزر، مریضی تمام می شود- زارمان فودمونی
- ۴- سازی که شفاف نیست- ابراز وپور کر به ای
- ۵- ته فاربی ها- وقتی کار فویی بکنی، می کوبند ... کرم
- ۶- چاپ پارینه سنگی - بزرگ ترها به ما می کوبند «همین» باشیم
- ۷- فضولی باکلاس- اسب ترک ها
- ۸- شهری در ژاپن که سال ها پیش خاک شد، ولی حالا برو ببین چی شده!



نامه
بفرستین

تهران- صندوق پستی

۱۵۸۷۵/۶۵۶۷



علیرضا جلیلووند

فوت

مرده تو آینه فوت می کرده،
دوستش می آد می که پیکار می کنی؟
می که یه چیز رفته تو چشمم.
دوستش می که: فنکه، تو نباید فوت کنی، اون باید فوت کنه؟
ضد زنگ: خوب می گفت اون فوت می کرد، مگر فنده دار؟

سوسک

دردن یه سوسک توی اتاق فواب در
واقع مسئله فاصی نیس.
مسئله اصلی از اونیا شروع می شه که
سوسک عزیز ناپردر می شه!
ضد زنگ: آخ آخ، گفتی!

زینب صفاری خواجه / تبریز کلاس هشتم

قانون جنگلو رعایت بکن

باز دوبارہ نوبت اردو شدہ
اردک احساس دلچم قو شدہ!

پہ فوبہ با دوستای جونی جونی
بری تو کوہ و جنگلا بمونی

بدون فکر امتحان قبول شی
درس نشانہ فرا رو خول شی

نہ هول بشی بہ پت و پت بیفتی
نہ یار مشق دیشبت بیفتی

با دوستای بامال و فوب و یکل
توی طبیعت فرا بشی ول!

فیوونای مختلفو بیینی
فیوونای هوایی و زمینی

هر کدوم از اونها تو کار خودش
هر کی بہ کار، هر کی بہ بار خودش

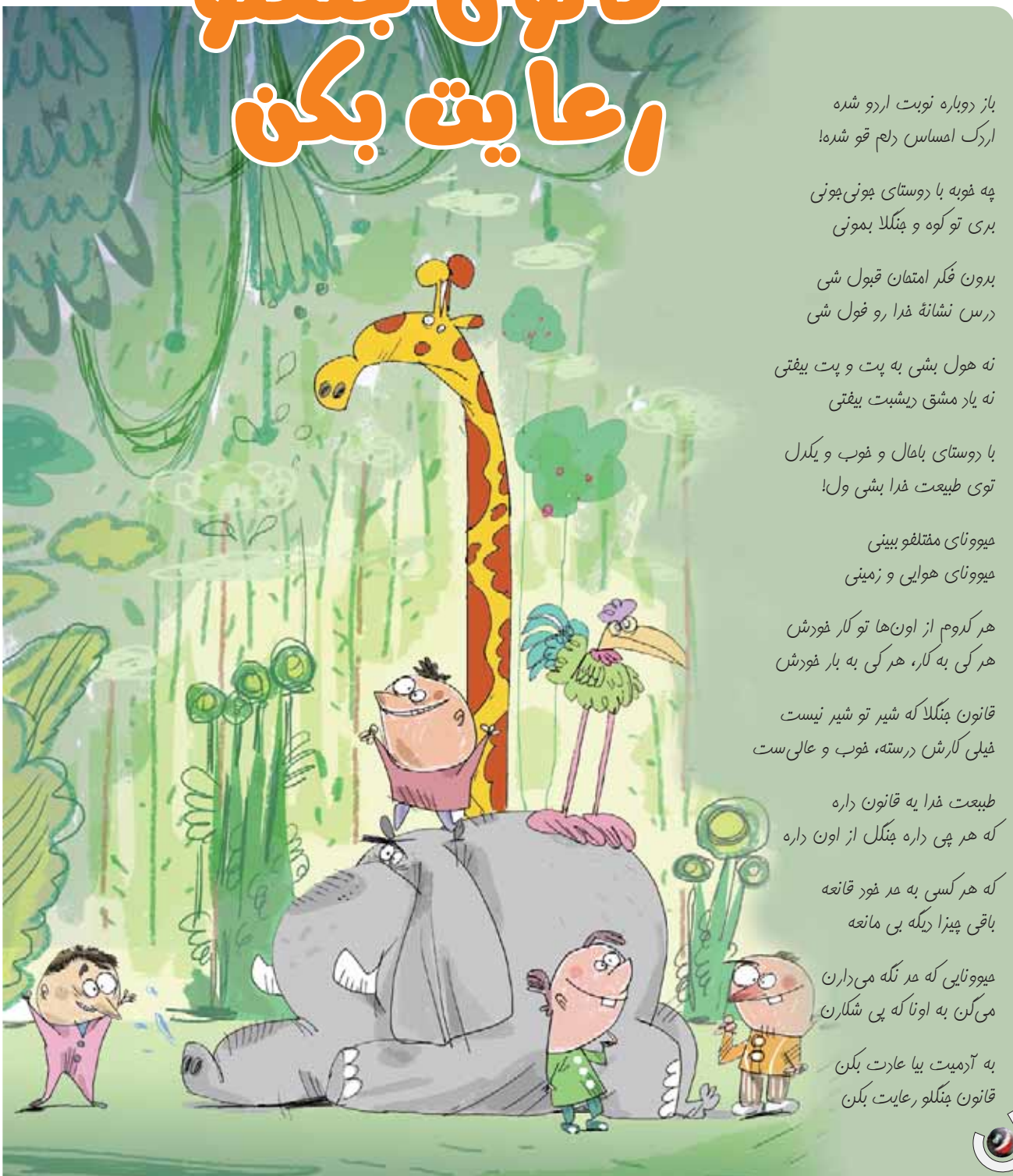
قانون جنگلا کہ شیر تو شیر نیست
فیلی کارش درسته، فوب و عالی ست

طبیعت فرا یہ قانون دارہ
کہ هر پی دارہ جنگل از اون دارہ

کہ هر کسی بہ عد خود قانعہ
باقی چیزا دیکہ پی مانعہ

فیوونایی کہ عد نکه می دارن
می کن بہ اوناکہ پی شکارن

بہ آدمیت بیا عادت بکن
قانون جنگلو رعایت بکن





کابوس نان

همیشه عصرگاهان فسته جانم
پریشان در صف کابوس نانم
چرا باید فقط من نان بگیرم؟
من فسته فقط یک نوجوانم

شنیدم بعد هر مرفع به سردی:
که ای بچه! ذفالت باز کردی؟
در این جا بچه پندارند من را
زمان کار می‌گویند مردی

تو مهمونی منو کردند دوره
دایی عبدالکریم و فاله زره*
شدم له بس که پرسیدند از من
کلاس چندمی؟ درست چطوره؟

*ما فاله زهره را فاله زره صدا می‌کنیم،
شعرمان هم هیچ ایرادی ندارد!

گاو صندوق مدرسه



بچه‌ها، فردا واسه اردو پی با خودمون بیاریم؟



mahya:
تفمه، پسته، آمیبل، نون و پنیر و کردو



samira:
من که باید یفخال خونمون و مورم اینترنتم رو همراهم بیارم.



soheila:
من که بدون بالش خودم خوابم نمی‌بره. یه ماکت کوچیک از بالشم سافتم که همراهم بیارم.



afsaneh:
بچه‌ها، یکی مسواک و حوله شو بیاره، همه با هم استفاده کنیم.

آه پندرش!



soheila:
بچه‌ها، ناهار و شام قراره پی بدن؟



mahya:
چه می‌دونم. یه چیز برمزه!



mahya:
بچه‌ها خواهش می‌کنم با خودتون جوراب اضافی بیارید. اون دفعه ففه شدم از بوی جوراب.



samira:
بوی جوراب نیود. بوی باقالی پلوی شام بود.



soheila:
آه. پیف پیف! عالم از باقالی پلو هم به هم خورد.

بچه‌ها کی دوربین گوشی‌اش فبوه، فیلیم و عکس بگیره.



afsaneh:
گوشی من نزدیک بینه.

بی‌مزه!



afsaneh:
یکی هم گاو صندوق باباش رو برداره بیاره. شاید دلمون فواست فرید هم بلنیم.



mahya:
به فانم سلیمی بگو گاو صندوق مدرسه رو برداره بیاره.



KHAMOOM SALIMI:
بچه‌ها، به لطف شما از گاو صندوق مدرسه پییزی نمونه و الان شده فبوه صندوق!

الکی مشق

روز اول مهر با کیف و کتاب از مدرسه بر می‌گشتم خانه که هوشنگ آقا، بقال سر کویچه، پرسید: «مدرسه‌ها باز شده‌اند؟» گفتم: «پ ن پ اول مهر است، کوبن کیف و کتاب اعلام کرده‌اند.»

مورد داشتیم، اول مهر اختاره است همه، یارو فکر کرده است که امسال سال تمصیلی کلاً تعطیل است.

پدرام پرسید: «آقا ما باید به تنهایی این سؤال را حل کنیم؟»

فرید، مبصر کلاس، گفت: «پ ن پ، تماس بگیر اعضای هیئت علمی دانشگاه ببینند به اتفاق ملش کنید.»

بباید از روز اول مهر برنامه‌ریزی صحیح داشته باشیم. درس‌هایمان را با شیوه‌های صحیح و علمی بخوانیم و سعی کنیم بیشتر یاد بگیریم تا اینکه فقط کنیم. به امید آنکه پیام‌آموزیم و درس‌هایمان برای آخر سال روی هم تلنبار نشود. الکی مثلاً من فیلی درس فونم.

کار یکلما بیت

یعنی یک عدد کاریکلماتور و یک فروند بیت کاریکلماتور

بهار را در کلدان پس انداز می‌کنم. بیت

برای نسل‌های بعد خود هم طبیعت را نگه داریم با هم.

www.nojavan.roshdmag.ir

وبگاه نوجوان





زندگ
اخبار

علی زراندوز

الهی پیرشی

$$\pi = dx + \frac{fa \cdot se9v}{3.149.3.} \sqrt{1 + \frac{1}{12} + \frac{12 \cdot (4bix)}{12 \cdot 2nEx^2} + \frac{4z}{12y}} = ?$$

فبر: درس ایمیل به درس‌های دانش‌آموزان افزوده می‌شود.

آقای افباری: «وقتی درس و مشق‌های دانش‌آموزان هیچ ربطی به رایانه نداشت، دایم در اینترنت کشت می‌زدند. وای به حال الان که باید برای امتحان درس ایمیل هم آماده شوند!»

فبر: پیرترین انسان شناخته شده روی کره زمین در سن ۱۱۶ سالگی در یک مرکز سالمندان در ایالت آرکانزاس آمریکا درگذشت.
آقای افباری: «طبق گزارش‌های رسیده، نام‌برده در آفرین لفظات زندگی گفت، ۱۱۶ سال از خدا عمر گرفتیم، ولی آفرش هم نفهمیم این معادله چند مجهولی دقیقاً کجای زندگی آدم به درش می‌خورد؟!»



زندگ
پرورش

صابر قدیمی

۲. «وارد دنیایی می‌شویم که در آن پول به سستی به دست می‌آید.» از قدیم گفته‌اند، پول چرک کف دست است و تا چرک کف دستان در آید، بعضی وقت‌ها چیزهای دیگری از جمله جان هم از آدم درخواهد آمد. بعضی‌ها دستشان زود چرک می‌کند و پول‌دار می‌شوند، بعضی‌ها هم چون چرک فشک کن مصرف می‌کنند، دستشان خالی می‌ماند.

۱. «بزرگ‌سالی برای اشخاص ضعیف و لوس نیست.» پس اگر صبح‌ها برای بیدار کردن تان پدر، مادر، اقوام نسبی و سببی و همسایگان باید دست به عملیاتی بزرگ و انتحاری بزنند، هنوز آماده بزرگ شدن نشده‌اید. وقتی بزرگ می‌شوید که در عملیات بیدارسازی نوجوانی دیگر، به خانواده تان یاری برسانید.



سر ویسنامه

سعید بیابانکی

